

____ ناصرالدين انصاری

۱۷۱-۱۷۹

____ سيد علی اکبر حسینی

____ احمد احمدی

____ محمد علی روحانی

____ سيد مهدی طباطبایی

احمد احمدی

آقای دکتر احمد احمدی چهره نام‌آشنای فرهنگ و فلسفه اسلامی بود. فقید سعید در روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۱۲ (۱۶ جمادی الاولی ۱۳۵۲ق) در روستای «کُهدان» از توابع ملایر زاده شد و پس از فراگیری تحصیلات نخستین در سال ۱۳۳۱ش رهسپار بروجرد شد و ادبیات عرب را نزد مرحوم حجت الاسلام غلامرضا مولانا بیاموخت و سپس سطوح را نزد حضرات آیات شیخ احمد فیضی و شیخ رحمت‌الله صاحب‌الزمانی و مقداری هم درس خارج آیت‌الله حاج شیخ علی محمد بروجردی فراگرفت. در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات: مشکینی، نوری همدانی و سلطانی طباطبایی آموخت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام بروجردی، محقق داماد، امام خمینی و نجفی مرعشی، به ویژه درس‌های فلسفه و تفسیر و کلام و حدیث علامه طباطبایی (به مدت ۲۰ سال) حاضر شد و مبانی علمی و فلسفی‌اش را استوار کرد. همچنین در گروه فلسفه دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۸ کارشناسی ارشد فلسفه غرب و در سال ۱۳۵۸ دکتری آن را دریافت کرد و در سال ۱۵۳ عضو هیئت علمی گروه فلسفه غرب دانشگاه تهران شد. در این سال‌ها بیشترین استفاده‌اش از درس‌های مرحوم استاد دکتر مهدوی بود. او سال‌های بسیار در حوزه و دانشگاه به تدریس فلسفه غرب و فلسفه اسلامی، تألیف و سخنرانی، داوری و راهنمایی رساله‌های حوزوی و دانشگاهی، ایجاد مؤسسات آموزشی و پژوهشی و دانشگاه‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مؤسس و رئیس سازمان سمت سازمان (مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، عضو شورای انقلاب فرهنگی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی (دوره هفتم)، مؤسس دانشگاه تربیت مدرس، مدیر گروه فلسفه دانشگاه تهران و مدیر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بود. دکتر انشاءالله رحمتی درباره او می‌نویسد:

استاد دکتر احمد احمدی که خدایش غریق رحمت کناد! انسانی بزرگ و دوست‌داشتنی بود. برای من که به لحاظ مولد نسبتی با او داشتم و هم‌شهریش بودم، جاذبه شخصیت او دو چندان بود. صفا و صمیمیت و تواضع راستین، پاک‌دستی و دیانتش، همیشه برایم جلب توجه می‌نمود. در شخصیت او به عیان می‌دیدیم که چگونه می‌توان فیلسوفی بزرگ، مدیری توانمند و بانفوذ بود و در عین حال به سان مرد روستایی سالخورده‌ای، فروتن و بی‌ادعا و مهربان.

می‌دانیم که استاد احمد احمدی دروس حوزوی را به درستی فرا گرفته و در محضر بزرگانی چون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی کسب فیض کرده بود، در عین حال، با هوشمندی خاصی که داشت وارد دانشگاه می‌شود و در رشته فلسفه غرب تا مقطع دکتری تحصیل می‌کند و این بدین معناست که دریافته بود که یک روحانی در دنیای معاصر، یک مرد دین، ناگزیر باید دنیای مدرن را بشناسد، اما برای شناخت دنیای مدرن به شناخت ظواهر آن و رونب‌های آن، نمی‌پردازد، بلکه این شناخت را در عالی‌ترین و عمیق‌ترین سطح دنبال می‌کند و بنابراین به شناخت فلسفی از غرب رو می‌آورد. ممکن است کسی برای شناخت فلسفه غرب به درآمدهایی که بر این فلسفه نوشته شده است یا در نهایت به تاریخ فلسفه‌ها، بسنده کند. اما ایشان در همان ابتدای کار خویش، در این حد متوقف نماند و کوشید متون کلاسیک فلسفه غرب را بفهمد و ترجمه و تفسیر کند. از جمله کارهای وی ترجمه کتاب تأملات در فلسفه اولی نوشته رنه دکارت است. دکارت را پدر مدرنیسم می‌دانند و این کتاب مهمترین کتاب وی است. دکتر احمدی این کتاب را به شکل نیکویی به فارسی ترجمه کرده است و سال‌ها است که در ایران از پرخواننده‌ترین متون کلاسیک فلسفه غرب است. افزون بر این، ایشان بر روی

آموزش‌های عقیدتی در حزب جمهوری قم، و در آنجا هم، غالب مطالب نقد مارکسیسم بود. اولین شناخت من از ایشان، یک استاد جذاب، عاطفی و عمیقاً حساس به دانش و علم را نشان می‌داد. اولاً درس‌های حوزه را خوب خوانده بود و سالها شاگردی مرحوم محقق داماد را کرده بود، استادی که بسیاری از برجستگان حوزه، در دهه چهل شاگردش بودند. علاوه، شاگرد حوزه علامه طباطبائی و به ایشان نزدیک بود. مرحوم احمدی، سخت روی ادبیات و وجود غلط در متن‌ها حساس بود و به همین دلیل کار غلطگیری المیزان را برای سالها برعهده گرفت و به همین دلیل به علامه نزدیک بود. این کاری دقیق بود و او به همین دلیل، با ظرایف قرآنی و ترجمه دقیق قرآن آشنا بود و از خودش دیدگاه‌های جالبی در ترجمه و تفسیر برخی از آیات داشت که متفاوت با برداشت‌های رایج بود. و اما از درس علامه، مانند بسیاری از شاگردان دیگر، به فلسفه رسیده بود و در دانشگاه هم فلسفه خوانده بود و استاد رسمی گروه فلسفه دانشگاه تهران بود. روی زبان انگلیسی هم حساس بود. خودش می‌گفت ماهها روی ترجمه کتاب نقد تفکر فلسفی غرب از ژیلسون کار کرده بود تا دقیق از آب درآید. می‌گفت یک روحانی وقتی کاری از انگلیسی ترجمه می‌کند، باید دقیق باشد و من این کار را کردم. راستش بعدها هم نسبت به آثار بنده حساس بود که غلطهای املایی دارد و این برایش قابل تحمل نبود. در سال ۶۰ بنده رسماً در زمره شاگردان وی برای درس فلسفه غرب، در مؤسسه در راه حق درآمدم. ایشان یک سال تمام، هفته‌ای سه جلسه، فلسفه غرب گفت. البته که شیفته کتاب سیر حکمت در اروپا بود، اما خودش هم آثاری را می‌شناخت و از آنها استفاده می‌کرد. این را بگویم به برکت وجود ایشان، کتابخانه در راه حق، از نظر متون انگلیسی بهترین کتابخانه قم بود. در درسهای تاریخ فلسفه غرب، دقیق بود و سعی می‌کرد، طلبه‌ها را که اگر فلسفه هم می‌دانستند همان فلسفه سنتی اسلامی بود، با فلسفه غرب آشنا کند. در درس ایشان، برای اولین بار ما به اهمیت مسائل شناخت‌شناسی در فلسفه غرب پی بردیم. با تأسیس شورای انقلاب فرهنگی

دو کتاب از ایمانوئل کانت (تأسیس مابعدالطبیعه اخلاق و نقد عقل عملی) کار کرده بود که متأسفانه هنوز انتشار نیافته‌اند. فقط اینگونه نبود که منفعلانه در پی شناخت فلسفه غرب باشد. بلکه به نقد عالمانه این فلسفه نیز اهتمام داشت و از این روی کتاب وحدت تجربه فلسفی (نقد تفکر فلسفی غرب) به قلم اتین ژیلسون (فیلسوف تومیست فرانسوی) را با ترجمه درخشانی منتشر ساخت و نیز کتاب «بن لایه‌های شناخت» را تألیف کرد که می‌توان آن را تلاشی ستودنی در زمینه معرفت‌شناسی مقایسه‌ای، قلمداد کرد.

مسئولیت‌های مدیریتی ایشان، باعث شد بسیاری از تحقیقات علمی‌شان ناتمام بماند. حتی اگر جزاین بود و ایشان وقت آزادتری داشتند قطعاً جامعه علمی و فرهنگی ما، سرمایه عظیمی از آثار این فیلسوف فرزانه را در اختیار می‌داشت. با این همه نباید کارهای بزرگ وی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و به‌ویژه سازمان سمت را نادیده گرفت. کار ایشان در سازمان سمت چنان بود که به جای خلق کتاب، نویسنده خلق می‌کرد و امروزه به برکت همین تدبیر ایشان، میراث ارجمندی از آثار در زمینه علوم انسانی خلق شده است. حتی امروز هم که جامعه ما به درک عمیق‌تری از مشکلات علوم انسانی و چالش‌های فراوری کشور در این زمینه رسیده است، ادامه کاری که استاد احمدی در سازمان سمت انجام داده است، چاره‌سازترین راه‌حلی است که می‌توان برای آنها داشت.

باری، امروز داغدار مردی هستیم که «از شمار دو چشم یک تن کم و ز شمار خرد هزاران بیش».

استاد رسول جعفریان هم می‌نویسد:

بنده دکتر احمدی را از میانه سال ۱۳۵۹ شناختم. از دو زاویه، اولاً در مؤسسه در راه حق، زمانی که اوج تبلیغات مارکسیستی در ایران بود و ایشان و دوستانشان، با نوشتن سری کتابهای پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک، سعی کردند یک جبهه فکری برابر مارکسیسم ایجاد کنند، و دیگر، در جلسات

دکتر احمدی بیشتر در تهران بود. از حوالی سال ۱۳۶۳ که من هم درسهای معارف را در دانشگاه می‌گفتم، روی علقه سابق، به دیدن ایشان در ساختمان شورای انقلاب فرهنگی در اول خیابان فلسطین شمالی می‌رفتم. غالباً که برای تدریس یک روز هفته را تهران بودم، نماز و ناهار را با ایشان بودم. آن وقت‌ها، آقایان داوری و سروش و شریعتمداری همه آنجا مستقر بودند. به تدریج، جلساتی در اتاق ایشان برای تدوین متنی برای درس تاریخ اسلام و ریشه‌های انقلاب گذاشته شد که شماری از دوستان هم بودند. اهمیت تدوین کتابهای درسی دانشگاهی را آنجا دریافت و این سبب شد تا دنبال تأسیس سمت باشد. کار شگفتی که سی‌وسه سال آن را دنبال کرد و بیش از دو هزار و پانصد کتاب، در طول این سه دهه منتشر کرد، آن هم بدون سروصدا. از کلاس‌های ایشان خاطرات فراوانی داریم و بیش از همه، آرامش و مهربانی را در ایشان می‌دیدم. بگویم که شیفته امام بود، بیش از هر چیز، و علاقه مند به انقلاب، و برایش کار می‌کرد. علاقت سیاسی کمتر داشت و فکر می‌کنم ناخواسته مدتی گرفتار مجلس شد، چیزی که با علاقت او سازگار نبود. دکتر احمدی می‌توانست آثار تالیفی و ترجمه زیادی داشته باشد، اما عمرش را وقف شورای انقلاب و سمت کرد، متواضعانه، با مدیریت پژوهشی خوب، توانست اثر ماندگار از خود برجای بگذارد. به نظرم هیچ کس از او کلمه تندی نشنید، با این‌که جدی و همزمان عاطفی بود. اشک براحتی از چشمانش جاری می‌شد. به راحتی وقت در اختیار دیگران می‌گذاشت. بارها شنیدم که برای پایان‌نامه‌هایی که راهنمایی‌شان را داشت، وقت جدی می‌گذاشت و خودش ویرایش ادبی و محتوایی می‌کرد. بیفزایم که این روزها دوست عزیزم، جناب آقای میرشریفی تصادف کرده و بیش از پانزده روز است که در بیمارستان بستری است که خداوند شفایش بدهد. ایشان از دوستان مرحوم احمدی و عضو هیئت علمی پاره‌وقت سمت بود. امروز پسر آقای میرشریفی گفت که دکتر احمدی هر روز زنگ می‌زد و احوال آقای میرشریفی را می‌پرسید. آخرین جلسات ما در گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان، چندین بار

با حضور مرحوم دکتر احمدی بود. البته که احساس ضعف شدیدی در ایشان می‌دیدم، اما به هیچ‌روی، آمادگی شنیدن خبرنگار درگذشت وی را نداشتم. بحث‌های اخیر، قرآنی بود و ایشان نکات لطیفی را در ترجمه برخی از آیات که غالباً به خطا رفته‌اند، بیان کرد. سعی کردم آنها را یادداشت کنم.

مرحوم دکتر احمدی، مردی به تمام معنا متواضع و مخلص و خدوم و پرتلاش و دلسوز و از همه مهم‌تر فانی در عترت طاهره (علیهم السلام) بود و ذره‌ای تبختر و تکبر و خودبینی در او راه نداشت. وی بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی مسلط بود و در سفر علامه طباطبایی به لندن، همراه همیشگی او بود و آثاری را از آن دو به زبان فارسی ترجمه نمود.

آثارش عبارتند از:

۱. پادزهر در دفع انکار نزول وحی
۲. تأملات در فلسفه اولی (ترجمه از انگلیسی: رنه دکارت)
۳. نقد تفکر فلسفی غرب (ترجمه از انگلیسی: اتین ژیلسون)
۴. تأسیس مابعدالطبیعه اخلاق (ترجمه از آلمانی: کانت)
۵. آرای خاص فلسفی و نقد فلسفه کانت (چاپ نشده)
۶. مقالات فلسفی و اخلاقی (۴۴ مقاله در مجلات گوناگون) امید است همه آن‌ها یکجا منتشر شود.

آن مرحوم در ۸۵ سالگی در روز شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۷ (۲۴ رمضان ۱۴۳۹ق) بدرود حیات گفت و پیکرش روز یکشنبه ۲۰ خرداد، در تهران و قم تشییع و پس از نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در مسجد مطهری حرم حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری در تجلیل از خدمات آن مرحوم چنین نگاشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تأسف و تأثر خبر درگذشت روحانی عالیقدر و دانشمند جناب حجة الاسلام آقای دکتر احمد احمدی (رحمة الله علیه) را دریافت کردم. عمر بابرکت این دانش‌آموخته فاضل حوزه و دانشگاه یکسره در خدمت علم و تحقیق و تربیت جوانان جویای علم بوده است. مسئولیت‌های مهم این عنصر خدوم و پرکار در مسائل دانشگاهی در دوران انقلاب و جمهوری اسلامی فصل درخشانی از زندگی ایشان است. عضویت ده‌ساله در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایجاد و اداره‌ی مؤسسه‌ی سمت، مدیریت بخش‌های مهم و

حساسی از مجموعه‌ی دانشگاهی کشور، بخشهای برجسته‌ای از این دوران است. اینجانب درگذشت این مرد انقلابی و وفادار را به خاندان و فرزندان محترم و همکاران و شاگردان و دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۹ خردادماه ۱۳۹۷

سید مهدی طباطبایی

آقای حاج سید مهدی طباطبایی شیرازی یکی از ائمه جماعات مشهور تهران بود. آن فقید در روز پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۱۵ ش (۱۸ جمادی‌الاولی ۱۳۵۵ ق)، در قدرت آباد رفسنجان در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام حاج سید محمد حسین طباطبایی از نوادگان دختری مرحوم میرزا اسدالله طبیب (برادر میرزای شیرازی) و از شاگردان آیات عظام: حاج آقا حسین قمی، سید صدرالدین صدر و میرزا مهدی اصفهانی و جدش مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی طباطبایی خلیدی یزدی از شاگردان میرزای شیرازی و داماد سید محمود، فرزند سید اسدالله شیرازی^۱ بوده است. وی در دوازده سالگی (۱۳۲۴ ش) رهسپار مشهد مقدس شد و ادبیات را نزد حضرات ادیب نیشابوری، شیخ محمد عیدگاهی، شیخ محمدرضا بخارایی و سید موسی خادم و شرح لمعه را هم از مرحوم آیت الله حاج سید احمد مدرس یزدی و سطوح عالی را هم نزد حضرات آیات: شیخ مجتبی قزوینی (رسائل و کفایه) و شیخ هاشم قزوینی (مکاسب) آموخت و مدتی هم در درس خارج اصول آیت الله شیخ مجتبی قزوینی شرکت و در سال ۱۳۳۰ به قم مهاجرت کرد و در درس آیات عظام: آقای بروجردی، سید محمد تقی خوانساری (فقه)، امام خمینی و آیت الله شریعتمداری (خارج اصول) حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد. در سال ۱۳۴۰ ش به مشهد مقدس بازگشت و یکسره در درس فقه و اصول آیت الله میلانی حاضر شد و در سال ۱۳۴۵ ش به نجف اشرف مهاجرت کرد و در درس آیات عظام: آقای حکیم، آقای خویی و امام خمینی حاضر شد و دروس خود را دنبال کرد. در سال ۱۳۴۷ به مشهد مقدس بازگشت و به تجارت و تحصیل و تبلیغ دین پرداخت تا آن که با شهادت دامادشان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شهید سعیدی در ۱۳۴۹ به تهران آمد و به جای آن شهید سعید، امامت جماعت مسجد موسی بن جعفر (علیه السلام) را که در خیابان غیائی، میدان خراسان واقع است، به عهده گرفت و به شؤون روحانیت و تجارت و کشاورزی و دستگیری از نیازمندان و ارشاد مؤمنان پرداخت. او حدود نیم قرن در تهران به خطابه و منبر و تبلیغ دین در اکثر مساجد و حسینیه‌ها به ویژه حسینیه لباس فروشان و حسینیه فرش فروشان و حسینیه پیرعطا اشتغال داشت و در ده‌ها سفر خویش به حج و عمره، راهنمای کاروان زائران و حجاج بود. هر سه وعده به مسجد می‌رفت و مؤمنان از مواعظ او بهره‌مند می‌شدند. درب خانه اش از بام تا شام باز و با سیمای مهربانش پذیرای مردم بود. روحانیون مبلّغ در خانه او سکونت می‌کردند و از سفره احسانش بهره‌مند می‌شدند. دستی سخاوتمند، دلی مهربان و چشمی اشکبار داشت و عفو و گذشت و سماحت و سخاوت و فصاحت از ویژگی‌های او بود. وی می‌گفت:

زمانی در زندان بودم و نصیری رئیس ساواک به من اهانت فراوان و شکنجه نمود، اما من از سرا و گذشتم و گفتم: خدایا، نمی‌خواهم کسی به خاطر من به جهنم برود.

۱. نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۲۲۳.

او در مسیر انقلاب اسلامی بارها بازداشت و زندانی شد تا آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با پذیرفتن مناصبی چون: نمایندگی مجلس شورای اسلامی (نماینده مشهد در دوره دوم و سوم و نماینده مردم تهران در دوره هفتم) و عضویت جامعه روحانیت مبارز تهران به خدمت بیشتر به مردم پرداخت و بدون رادع و مانعی در خدمت مردم بود. در اتاقش این شعر نمایان بود:

مشکن دل کسی را که دست توست خواهد گذشت براو، اما شکستِ توست

او در مواضع سیاسی خویش همواره اعتدال را رعایت می‌کرد و با زبان حق‌گویی محبوب تمام جناح‌های سیاسی کشور بود. از آثارش کتاب خاطرات اوست که در ۲ جلد به چاپ رسیده و نیز دسته‌ای از سخنرانی‌های اخلاقی ایشان که در قالب کتاب منتشر شده است.

وی بر اثر بیماری ریوی در ۸۲ سالگی در روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ ش، اول رمضان المبارک ۱۴۳۹ ق بدرود زندگی گفت و پیکرش روز شنبه سوم رمضان، پس از تشییع در قم و نماز آیت الله شبیری زنجانی در مسجد شهید مطهری حرم حضرت معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شد.

مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت خطیب و معلم اخلاقی جناب حجة الاسلام آقای حاج سید مهدی طباطبائی (رحمة الله علیه) را به خاندان گرامی و اخوان مکرم و همه بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. آن سید بزرگوار در دهها سال از زندگی خویش تلاش دینی مغتنمی در ارشاد معنوی و اخلاقی مؤمنین با بهره‌گیری از جایگاه منبر و محراب بر عهده گرفته بودند و در عرصه‌های انقلاب نیز با حضور در مجلس شورای اسلامی در برهه‌ای از زمان، به این وظیفه خطیر اشتغال داشتند. از خداوند متعال شمول رحمت و مغفرتش را برای آن مرحوم و صبر و تسلی برای بازماندگان مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷

سید علی اکبر حسینی

آقای حاج سید علی اکبر موسوی حسینی یکی از ائمه جماعات مشهور تهران و چهره نام‌آشنای اخلاق بود. فقیه سعید در روز پنجشنبه ۲۹ رجب ۱۳۵۸ ق (۲۲ شهریور ۱۳۱۸ ش) در تهران زاده شد. پدرش عمده‌الاخیار حاج سید جواد حسینی و مادرش صبیبه محترمه آیت الله حاج سید محمد صادق حسینی لاله‌زاری و دایی‌هایش حضرات آیات: سید محمد حسین حسینی تهرانی، مؤلف کتاب‌های امام‌شناسی و معادشناسی، و سید محمد علی حسینی تهرانی بوده‌اند. وی در اوایل نوجوانی به قم آمد و به تحصیل علوم دینی نزد حضرات آیات: جواد آملی (شرح لمعه)، جعفر سبحانی (رسائل و مکاسب)، نوری همدانی (کفایه)، شیخ عزیزالله خوشوقت (عرفان و فلسفه)، مصباح یزدی (عرفان و فلسفه)، محمد حسین حسینی تهرانی (خارج فقه و هیأت و نجوم و سیر و سلوک) و علامه طباطبائی (تفسیر و فلسفه) پرداخت و از آنها در ۴ سال فراغت یافت و همزمان به تحصیل رشته روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه تهران پرداخت و به اخذ لیسانس ادبیات فارسی و علوم تربیتی توفیق یافت. در حدود سال ۱۳۵۰ ش به تهران بازگشت و

خدمات ارزنده این روحانی با اخلاص و پرتلاش، چه در آموزش‌های سودمند در رسانه‌ی ملی و چه در مجلس شورای اسلامی و چه در محیط مسجد و محراب، معترف چهره نورانی یک عالم خدمتگزار و با ابتکار است. از خداوند متعال علو درجات آن مرحوم و رحمت و مغفرت الهی برای ایشان و صبر و اجر برای بازماندگان‌شان مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۲ تیر ۱۳۹۷

رئیس جمهوری اسلامی ایران هم در پیام تسلیت خویش چنین نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

درگذشت استاد اخلاق حجت الاسلام و المسلمین حاج سید علی اکبر موسوی حسینی، موجب تأثر و تألم خاطر شد.

این روحانی وارسته و نام‌آشنای مردمی، علاوه بر مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی؛ از همراهی با امام راحل در نهضت اسلامی تا حضور مؤثر در دو دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم شریف تهران؛ عمر پربرکت خود را صرف ترویج و اعتلای آموزه‌های دینی و مکارم اخلاقی در قالب برنامه‌های جذاب و مبتکرانه عمومی و رسانه‌ای کرد.

اینجانب فقدان این روحانی دانشمند را به خانواده محترم، علاقه‌مندان و ملت ایران تسلیت می‌گویم و از درگاه ایزد منان برای ایشان رحمت واسعه و همجواری با ائمه اطهار (علیهم السلام) و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

سید محمد علی روحانی

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج سید محمد علی روحانی یکی از علما و ائمه جماعات قم بود. معظم له در حدود سال ۱۳۵۰ ق (۱۳۱۰ ش)، در نجف اشرف، در بیت علم و فضیلت^۲ زاده شد پدرش آیت الله حاج سید ابوالقاسم حسینی روحانی^۳ (۱۳۱۶

۲. بیت عظیم و فخیم روحانی یکی از بیوت پرسابقه و درخشان قم است که در قرن گذشته آکنده از علما و فقهای بزرگ بوده است. برای اطلاع بیشتر ببینید: انصاری، ناصرالدین، اختران قم، ج ۱.

۳. انصاری، ناصرالدین، اختران قم، ص ۵۰۳ - ۵۰۴.

به دعوت مرحوم حاج شیخ محمد صادق کرباسچیان (علامه)، مدیریت مدرسه علوی را که یکی از معروف‌ترین مدارس اسلامی تهران بود، بر عهده گرفت و نسلی مؤمن و متدین از نوجوانان را تربیت کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران شد و کتب دینی سطوح ابتدایی و راهنمایی را تألیف کرد. در دهه ۱۳۶۰ به تعلیم اخلاق خانواده در سیمای جمهوری اسلامی پرداخت و برنامه‌اش یکی از جذاب‌ترین و پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون بود و از طریق آن و پاسخگویی به نامه‌های بینندگان، بذر محبت و اخلاق را در خانواده‌ها می‌پاشید و بسیاری از مردم ایران شیفته اخلاق و گفتار و برنامه‌های او بودند. علاوه بر آن، وی نماینده اول مردم تهران در مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم و پنجم)، عضو شورای انقلاب فرهنگی و امام جماعت مسجد فائق (خیابان ایران، خیابان شهید فیاض بخش) بود و با بیان زیبایی‌ها به تفسیر و موعظه و خطابه می‌پرداخت و در همایش‌های مختلف داخل و خارج به سخنرانی‌های اخلاقی و حل مشکلات خانواده‌ها و مصاحبه‌ها و مقالات و تألیف و تدریس اشتغال داشت.

آثار عبارتند از:

۱. سلام بر خورشید (۲ ج)، داستان زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با رویکردی نوین و با قلمی زیبا.
۲. تربیت در خانواده
۳. اخلاق در خانواده
۴. رهنمودهایی برای ازدواج جوانان
۵. کتاب‌های تعلیمات دینی دوره ابتدایی و راهنمایی
۶. مجموعه مقالات

آن مرحوم بر اثر بیماری در ۷۹ سالگی در روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ ش (۷ شوال المکرم ۱۴۳۹ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش صبح روز جمعه، اول تیرماه تشییع و پس از نماز آیت الله امامی کاشانی بر آن در حرم حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم پرهیزکار و معلم اخلاق، جناب حجة الاسلام آقای حاج سید علی اکبر حسینی (رحمة الله علیه) را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و دیگر بازماندگان و نیز به شاگردان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

۱۳۸۴ق) از شاگردان آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقاضیاء عراقی و میرزای نائینی و جدش فقیه و مجتهد بزرگ قم آیت الله حاج سید صادق قمی (۱۲۵۵. ۱۳۳۸ق) از شاگردان شیخ انصاری و میرزا حبیب الله رشتی و میرزای شیرازی بوده است. آن مرحوم در زمان تحصیل پدر بزرگوارش در نجف اشرف زاده شد و پس از کودکی همراه پدرش به قم آمد و به تحصیل علوم دینی روی آورد. ادبیات را نزد مرحوم پدرش و حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و شرح لمعه را نزد حضرات آیات: منتظری، صدوقی و نوری همدانی و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: پدر بزرگوارش، مرعشی نجفی و مجاهدی تبریزی (مکاسب)، مشکینی (رسائل) و سلطانی طباطبایی (کفایه) آموخت و پس از آن به دروس خارج آیات عظام: آقای بروجردی، شیخ عبدالنبی عراقی، شریعتمداری و میرزاهاشم آملی حاضر شد و سخت مورد توجه آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی قرار گرفت و تقریرات دروس او را نگاشت و از او اجازه روایت و اجتهاد (با تعابیر والا و مضامین عالی) گرفت.

معظم له در بخشی از اجازه روایت خویش نوشته است:

اما بعد، فانّ جناب العالم العامل، قرة عينی، صفوة السادات و عماد الأعلام، ثقة الاسلام السيد محمد علی الروحانی القمی. دامت توفیقاته العالیة. الذی هو من اجلة تلامذتی و انه ولدی الروحانی و اعزّ الناس لدی و لعمری انه أعزّ من ولدی من جهة جدّه في التحصيل و مکتباً علیه و صریحاً علی التقوی و مقبلاً علیها و معرضاً من الدنيا و مدبرة علیها و لعمری فرید عصره في تلك الجهات و وحید زمانه في تلك السجایا فالتمسني تحریر حدیث یکون دائماً في مدّ عينیه حتی ینفع به في الدارين فبنیت أن أحدّثه عن رسول الله صلی الله علیه و آله حدیثاً یکون مأنوساً به و متذکراً به.

او به جز تحصیل به تدریس سطوح و تبلیغ دین اشتغال داشت و پس از وفات پدر بزرگوارش در ۲۷ رمضان ۱۳۸۴ق (۱۱ بهمن ۱۳۴۳ش) به امامت جماعت (ظهر و شب) مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) و گفتن تفسیر و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و رسیدگی به امور مستمندان و نیازمندان و پاسخ به امور دینی مؤمنان اشتغال داشت. وی در استخاره و تعبیر خواب ید طولی داشت و از اطراف و اکناف، محل مراجعه علما و مردمان بود. آن مرحوم از آیت الله شریعتمداری نیز اجازه اجتهاد و از آیت الله سید مصطفی صفایی خوانساری هم اجازه نقل حدیث داشت.

آثارش عبارتند از:

۱. تقریرات درس آیت الله بروجردی (فقه)
۲. تقریرات درس آیت الله عراقی (اصول)
۳. تقریرات درس آیت الله شریعتمداری (فقه)
۴. حاشیه بر سیوطی و مغنی
۵. کتاب نوادر (۳ ج، کشکول) که دستخط بسیاری از علما و مراجع تقلید و مطالب و احادیث و تواریخ ناب در آن است.

آن مرحوم در حدود ۸۷ سالگی در روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۷ش (۳ ربیع الثانی ۱۴۴۰ق) بدرود حیات گفت و پیکرش روز پنجشنبه پس از تشییع باشکوه و نماز برادر گرامی اش آیت الله سید مهدی روحانی بر آن در بقعه ۳۷ صحن حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپرده شد.